

متن پرسش

در راستای تلاش برای فهم جایگاه دستورات دین در روح و قلب انسان دست به دامن مباحث عقلی و خواندن کتابهای شما شدیم در این مسیر تا حالا شاید هزار بار کافر شدم و دوباره با تلقیناتی مومن سوال بنده این است که ما در آن حالت کفری که بر فلبنام حاکم می شود مرتکب گناهی می شویم که فقط علماً می دانم آن عمل گناه است ولی چون قلب ایمان نیاورده است از عمد آن گناه را مرتکب می شوم مثل کسی که با خودش دعوا دارد شاید علت این امر به خاطر محیطهای خشک مذهبی ماست که اکثراً باخدای خشک جهنم آفرین زندگی می کنند یکی از آن افراد پدرم است که با توجه به اینکه ادعای مسلمونی دارد و همیشه قران می خونه ولی ظاهراً ایشان هیچ ارتباطی با قلب مانداره یادم نمی رود که در کودکی به ما می گفت که توضیح المسائل بخون و ماهمیشه دوست داشتیم که پسر بدی باشیم یواشکی سیگار می کشیدیم و... استاد به نظر شما این حرف درسته که تا قلب ما در تایید گناه و ثواب در صحنه نیست ما نباید بافکرمان خودمان را عذاب یا وعده بهشت بدهیم. استاد آیا شما هم در این مسیری که طی کردید شده که از عمد گناه کنید یعنی کافر شوید و پشت پا بزنید به تمام عقایدتان؟! استاد انسان نیاز به انس دارد ما چطور باید به اینکه می شود با دستورات اسلامی می شود با خدای جامع اسماء انس گرفت ایمان آورد استاد آیا شما الان از وجود خودتان راضی هستید یعنی هیچ کم و کاستی ندارید؟! لطفاً جواب بدهید. تشکر..

متن پاسخ

باسمه تعالی. علیکم السلام ۱- در این که در مسیر دین داری همواره انسان باید قلب خود را به نور حقایق آشنا کند بحثی نیست، و در این که در این مسیر بعضاً قلب همراهی نمی کند هم بحثی نیست، ولی چرا وقتی قلب نمی آید حکم عقل خود را تعطیل کنیم و وقتی عقل ضرورت بندگی را پذیرفته خود را گرفتار عصیان از فرمان الهی بنماییم؟ ۲- مسیری که اهل البیت «علیهم السلام» در جلو ما قرار می دهند راه انس با حق است و حب آن ذوات مقدس راه انس با خدا را می گشاید. فکر می کنم کتاب «مبانی نظری و عملی حب اهل بیت «علیهم السلام» راه گشاست. ۳- بنده هرگز از وضع خودم راضی نیستم ولی امیدوار به خدایی هستم که شریعت محمدی «صلوٰة الله علیه» و مسیر اهل البیت «علیهم السلام» را به ما گوشزد فرمود تا در راه نمانیم. موفق باشید